



باز آفرینی فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری با رویکرد توانمندسازی اجتماع محلی (مورد مطالعه: شهر نیشابور)

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵

صفحات: ۴۰-۲۳

سیدمهدی موسی کاظمی؛ دانشیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
رستم صابری فر؛ دانشیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
حسین رحیمی؛ استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
نرگس سادات رضوی؛ دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

بهبود کیفیت و شرایط زیستی بافت‌های ناکارآمد شهری، نیازمند ارائه راهبردهای متناسب با وضعیت و ویژگی‌های هر بافت است. در این پژوهش، راهبردهای بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی بافت‌های پیراشهری نیشابور با رویکرد توانمندسازی اجتماع محور، مورد مطالعه قرار گرفت. تحقیق از نوع کاربردی و روش آن، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. با استفاده از تکنیک SWOT و مدل QSPM راهبردهای اولویت‌دار مداخله در بافت، تعیین گردید. همچنین برای شناسایی مطلوبیت راهبردهای اولویت‌دار بازآفرینی، از روش ACCEPT بر اساس نظرات متخصصان، بهره‌گیری شد. نتایج بیانگر آن است که راهبردهای بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور با رویکرد توانمندسازی اجتماع محلی در موقعیت رقابتی قرار دارد. به عبارتی گرچه نقاط ضعف آن بر نقاط قوت غلبه دارد، اما فرصت‌های خوبی در آن وجود دارد که برای غلبه بر نقاط ضعف موجود، می‌توان از آن بهره گرفت. براساس خروجی نهایی مدل، سه راهبرد شامل "ترویج فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حمایت از طرح‌های مرتبط در این زمینه"، "ارائه برنامه‌هایی برای اوقات فراغت خانواده‌ها و جوانان" و "آموزش و تشویق به تحصیل و یادگیری و بالابردن سطح مهارت‌های اجتماعی ساکنین" به‌عنوان اولویت‌های مطلوب بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی با تأکید بر توانمندسازی، تعیین گردید. لذا مدیران و مسئولان شهری، باید ضمن بهره‌گیری از نقاط فرصت و توانمندی‌های این بافت‌ها، برای برطرف کردن نقاط ضعف آن تلاش نمایند.

چکیده

واژه‌های

کلیدی:

بازآفرینی،
پیراشهری،
توانمندسازی،
راهبرد، نیشابور.

E- Mail: moosa_ka@pnu.ac.ir

نحوه ارجاع به مقاله:

موسی کاظمی، سیدمهدی، صابری فر، رستم، رحیمی، حسین، رضوی، نرگس سادات ۱۴۰۳. بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری با رویکرد توانمندسازی اجتماع محلی؛ (مورد مطالعه: شهر نیشابور) مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۱۲(۶): ۴۰-۲۳.



توسعه پیراشهری به دلیل انگیزه‌های سودجویانه صاحبان املاک و توجیه اقتصادی آن برای مدیریت شهری، باعث ترک بخش‌های زیادی از مناطق درونی شهرها و خارج شدن از چرخه آبادانی شده است (سرور، ۱۳۹۸: ۳). از سوی دیگر، همواره بر نقاط متراکم جمعیت و وسعت شهرها، در اراضی کم‌ارزش پیرامون و جدای از نظام شهری افزوده می‌شود (کمانرودی کجوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). طبق اعلام کمیساریای عالی حقوق بشر، حدود یک‌چهارم جمعیت شهری جهان در این سکونتگاه‌ها، زندگی می‌کنند (United Nation, 2018: 1). سکونتگاه‌های غیررسمی، به‌عنوان محصول رشد در فضاهای پیراشهری، عمدتاً در مجاورت شهرهای بزرگ واقع هستند که بافت‌هایی خودرو و کالبدی نابسامان دارند و از واحدهای مسکونی تشکیل می‌شوند که بدون رعایت اصول فنی ساختمان ساخته شده و فاقد مجوزهای رسمی هستند (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷). ساکنین آن‌ها هیچ‌گونه امنیتی در زمین و مسکن واقع در آن ندارند و معمولاً با محرومیت خدمات و امکانات و زیرساخت‌های اصلی شهر یا فقر مواجه هستند (کمانرودی کجوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). شکل‌گیری این نوع از بافت‌ها و سکونتگاه‌ها، پیامد سیاست‌های نامطلوب، مدیریت شکست‌خورده، قوانین غیر کارآمد، بازار غیرقانونی زمین و سیستم‌های ضعیف مالی است. هر کدام از این کمبودها بر مسائل و مشکلات افرادی می‌افزاید که به شدت بار فقر را به دوش می‌کشند (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۷) و بر چالش‌های مدیریت شهری و شهرداری‌ها می‌افزاید. برخی نیز حاشیه‌نشینی را پدیده‌ای اجتماعی دانسته و آن را به‌عنوان معضل اجتماعی می‌دانند که مورد مطالعه جامعه‌شناسان شهری و سایر علوم مربوط به شهرسازی قرار می‌گیرد (کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶). اما نوع برخورد و رویکردها و رهیافت‌های در نظر گرفته‌شده برای حل مسائل و چالش‌های این نوع از بافت‌های ناکارآمد، فرازوفرودهای زیادی داشته است. به دلیل انباشت مسائل و چالش‌های توسعه در طی زمان در مناطق کمتر توسعه‌یافته، رویکردهای صرف دولتی و بوروکراتیک که نسبت به توسعه وجود داشت، کارایی خود را تا حد زیادی از دست داده است و به همین دلیل، امروزه مؤسسات و سازمان‌های ملی و بین‌المللی زیادی، اساس برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را بر مبنای ترویج توسعه و آبادانی با رویکرد مشارکتی و اجتماع‌محور، بنیان می‌گذارند (مراد زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۱۵).

رویکرد متأخر در این زمینه، بازآفرینی شهری است که به دنبال تغییر در طبیعت یک مکان با استفاده از مداخله ساکنان و سایر ذی‌نفعان است و از همکاری و مشارکت میان آن‌ها، استقبال می‌کند؛ به نحوی که در نهایت، مداخلات اجتماعی بتواند منجر به پایداری محیط شهری گردد (Bevilacqua et al, 2013: 1361). بازآفرینی دارای طبقه‌بندی مختلفی است که در یکی از این طبقه‌بندی‌ها، بازآفرینی اجتماع-محور وجود دارد و بر اساس مداخله اجتماع محلی در فرآیند بازآفرینی تعریف می‌شود (قناد و صراف، ۱۳۹۸: ۲۱۲). این رویکرد که توانمندسازی اجتماعات محلی را مدنظر دارد، روشی نوین برای حل مسئله فقر شهری است که مهندسی ساختمان یا صرفاً تزریق منابع مالی را کارساز نمی‌داند، بلکه راه‌حل را در مهندسی اجتماعی می‌داند که در آن حمایت و تسهیل بخش عمومی و توسعه سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال مردم، مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، برای مقابله با مسائل و مشکلات بافت‌ها و سکونتگاه‌های پیراشهری که به صورت غیررسمی شکل گرفته‌اند، رویکرد توانمندسازی را پیشنهاد می‌نماید. فرآیند توانمندسازی، اقدامی اجتماعی است که مشارکت مردم، سازمان‌ها و محلات شهری را به منظور افزایش کنترل

فردی، گروه و جمعی، تقویت می‌نماید و به ارتقاء کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در محلات، کمک می‌کند (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۷).

بازآفرینی شهری با تأکید بر ابعاد فرهنگی- اجتماعی، ضمن تعدیل نواقص رویکردهای پیشین و با برخوردی همه‌جانبه و کل‌نگر به موضوع، توانسته است حقانیت خود را نه تنها به‌عنوان رویکرد نظری بلکه به‌عنوان راهبردی عملی اثبات کند. به‌طوری‌که از نظر برخی افراد، تداوم راه‌حل‌های فرهنگی و تکثیر بیش‌ازپیش جلوه‌های فرهنگی شهرها، مطمئن‌ترین شیوه سیاست‌گذاری در احیای بنیان‌های کالبدی- اجتماعی شهرها و بازآفرینی فضاها و محیط شهری بشمار می‌رود (کشاورزی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۷). چالش‌های مدیریت در توسعه شهری ایران در کنار سایر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و روابط پیچیده سازمان‌ها، سبب شده است که تاکنون راهکار موفق و قابل قبولی که بر نقش ذی‌نفعان نهایی در بازآفرینی تأکید داشته باشد، ارائه نگردد؛ به‌نحوی که طرح‌های بازآفرینی در مناطق پیراشهری نتوانسته است تغییرات محسوس و کارآمدی را به خود ببیند (زمانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴).

نیشابور به‌عنوان یکی از شهرهای مهم تاریخی و با جمعیت ۲۸۷۳۰۰ در سال ۱۳۹۵، به‌عنوان دومین شهر پرجمعیت بعد از شهر مشهد مقدس در استان خراسان رضوی، نیز از مسئله توسعه پیراشهری و ناکارآمدی بافت‌های شکل‌گرفته در این محدوده‌ها، مصون نمانده است. وجود بافت حاشیه‌ای آن، گواهی از ناکارآمدی عملکرد مدیریت توسعه شهری می‌باشد. این شهر به دلایل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از رشد و توسعه گسترده و پرشتاب برخوردار بوده است که باعث برهم خوردن تعادل تاریخی و پایداری فرهنگی- اجتماعی، زیستی آن و بروز نابرابری‌های فضایی به‌ویژه در محله‌ها بوده است. فرسودگی کالبد و تخریب بسیاری از ساختمان‌های قدیمی و عدم نوسازی و بازسازی مجدد آن‌ها منجر به بروز مشکلاتی در فعالیت‌ها و عملکردها شده است؛ در سوی دیگر، نیز سکونتگاه‌های غیررسمی در حواشی آن ایجاد گردیده و یا روستاها و آبادی‌های پیرامون در بافت شهری، الحاق شده است. این سکونتگاه‌های پیراشهری، دارای ۹۱۸/۳ هکتار مساحت است که جمعیت ۵۸۸۶۰ نفری در آن ساکن می‌باشند و حدود ۲۴/۵ درصد از جمعیت و مساحت این شهر را به خود اختصاص داده‌اند (مهندسین مشاور بهاوند مهرآز، ۱۳۹۵). در این بافت، به سبب ورود مهاجران از سایر نقاط شهر و همچنین از نقاط روستایی، شاهد ناهمگونی در ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان می‌باشیم. حاکم شدن چنین شرایطی بر بافت‌ها، انجام اقدامات جدی برای بازآفرینی و تقویت جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن را الزام‌آور می‌سازد. در این راستا، نیاز است تا با شنا سایی توانمندی‌های موجود مردم فضاها، پیراشهری نیشابور، راهبردهایی برای توانمندسازی و حل چالش‌های موجود در این بافت‌ها، ارائه شود. بنابراین، این پژوهش باهدف ارائه راهبردهای بازآفرینی فرهنگی- اجتماعی در فضاها، پیراشهری نیشابور صورت می‌پذیرد. در واقع سؤال اصلی پژوهش آن است که وضعیت فعلی فرهنگی- اجتماعی فضاها، پیراشهری نیشابور چگونه است و راهبردهای اولویت‌دار برای پایدارسازی فرهنگی- اجتماعی آن با نگاه توانمندسازی اجتماع محلی، چیست؟

در مطالعات شهری، بازآفرینی، به مفهوم احیا نمودن، جان‌بخشی دوباره و از نو رشد کردن است (لطفی، ۱۳۹۱: ۸۰) و رویکردی نوین برای تولید سازمان فضایی منطبق بر شرایط و ویژگی‌های نو در روابط شهری را پیشنهاد می‌دهد (Lak & Hakaimian, 2019). بازآفرینی شهری با تدارک دیدگاهی نو در فرآیند دگرگونی‌های شهری (قربانلو و

همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲)، رویکردی جامع، یکپارچه و کل‌نگر است که ضمن توجه به معاصر سازی بافت در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی، نقش مهمی در سیاست‌های بهسازی و نو سازی شهری ایفا می‌کند و گامی مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است (قناد و صرافی، ۱۳۹۸: ۲۲۸). توسعه راهبردی در راستای بازآفرینی شهری پایدار می‌تواند از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بررسی شود (Chahardowli & Sajadzadeh, 2022: 1) و مبنایی انعطاف‌پذیر را پیشنهاد کند که می‌تواند در پروژه‌های بازآفرینی با ابعاد و زمینه‌های مختلف تطبیق یابد و به‌عنوان روشی جامع در هر مرحله برای ذی‌نفعان با مشارکت جمعی در چارچوبی یکپارچه برای برنامه‌ریزی و نظارت بر اقدامات بازآفرینی به مداخلات انعطاف‌پذیر و پایدار هدایت شود (Natividade-Jesus et al, 2019: 1). این رهیافت، در تلاش برای دستیابی به روش‌هایی کم‌هزینه و با کمترین اثر مداخله در محله‌ها، اما با گسترده‌ترین سطح از اثربخشی است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۲). یکی از اصول آن، تأکید بر سهم بودن جوامع در انجام امور است که منجر به ظهور رویکرد اجتماع‌محور در دهه ۹۰ میلادی در زمینه فرسودگی شهری شده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۵). باید توجه داشت که ظرفیت سازی در هر جامعه متکی بر پارامترهایی همچون میزان قدرت نهادها، میزان حمایت‌های قانونی، بسترهای اجتماعی و فرهنگی و سایر زیرساخت‌ها است (ملایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳) اما هدف مداخله اجتماعات محلی در فرآیند بازآفرینی محله‌ها، به‌ویژه زمانی که گروه‌های آسیب‌پذیر به این اجتماعات تعلق دارند، دستیابی به شهرهای فراگیر است (Clark & Wise, 2018: 1-5). با این رویکرد، اگر دولت و سازمان‌های متولی بازآفرینی، اجتماع محلی را هدف قرار دهند و شهروندان را افرادی با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه در نظر گیرند که کشف و توسعه توانمندی‌های آنان، در اولویت قرار گیرد، بدون شک می‌توانند در مسیر توسعه گام بردارند. با توجه به این دیدگاه، توسعه اجتماع محلی در صورتی عامل موفقیت و ارتقا بخشی خواهد بود که از طریق سازمان‌های غیردولتی، به دست آید. در واقع، این موضوع، نیاز به بسیج تمامی ظرفیت‌های درون‌زای اجتماع دارد (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۷).

بازآفرینی شهری پایدار، حل مشکلات شهری را با استفاده از نیروهای توانمند درون‌زا در محلات شهری می‌داند. با تلفیق دو نظریه توسعه پایدار و محیط‌گرایی فرهنگی، رهیافت‌های مشارکتی و توانمندسازی جوامع محلی در اولویت قرار می‌گیرد. بدین صورت هدف بازآفرینی در بافت‌های شهری، بهبود ساختار فضایی و تقویت هویت مکانی از طریق نمادهای اجتماعی در راستای استفاده از سرمایه‌های اجتماعی است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴). رویکرد اجتماع‌محور، بیش از همه بر نقش بخش داوطلبانه و مردمی در توسعه محلی و شکل‌گیری سازمان‌های اجتماع‌محور تأکید دارد. در این رویکرد، اجتماعات محلی پیش‌قدم شده، به صورت خودجوش سازمان‌یافته تا به علائق و اهداف مشترک از جمله حل مسائل، دستیابی به رفاه اجتماعی و خروج از وضعیت موجود جامعه محلی خود دست یابند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی مردم و سازمان‌های اجتماع‌محور، عنصر مرکزی این رویکرد محسوب می‌شود. گروه‌های سازمان‌یافته، دارای ظرفیت نوآوری، پاسخگویی سریع به نیازهای محلی و ارائه خدمات مناسب بوده و این ویژگی‌ها، مزیت نسبی آن‌ها در پیشبرد توسعه در سطوح محلی است (یوسفی سادات و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸). این شکل توانمندسازی برای هماهنگی و تسهیل مشارکت‌های محله‌محور از سوی دولت‌های محلی و ملی دنبال می‌شود تا ضمن نوآوری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها، اجرای طرح‌ها، راهکارهای اصولی برای تعیین مسیر، سازمان‌دهی و مدیریت فرآیند توسط خود اجتماع انجام شود. نتیجه نهایی توانمندسازی در این حوزه توسعه اجتماع محلی است که

نوعی نگرش توسعه از پایین تلقی می‌گردد (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۷). اقداماتی که در این راستا صورت می‌گیرد، منجر به تحقق اهدافی از جمله یکپارچگی اجتماعی، آموزش مهارت‌ها و فراهم آوردن مشاغل محلی شده و به هم‌پیوستگی بخش عمومی و خصوصی برای رسیدن به یک سود متقابل را سبب می‌شود (Schrock, 2012: 20).

توانمندسازی محله‌ها، اقدام مشارکتی همه شهروندان یک محله برای دستیابی به کنترل و تأثیر بر عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی در آن محله است که از اهداف مهم در توسعه پایدار جوامع محسوب می‌شود (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۷). اصولاً توانمندسازی اجتماع محور و ارتباط آن با توسعه محلی، رویکردی غیرمتمرکز و مشارکتی است و مکمل ارتقا بخشی به شمار می‌رود که علاوه بر مشارکت در ساخت و ساز محله، برای تأمین حق مالکیت و توسعه اقتصادی محله‌های فقیرنشین، درگیر شدن ساکنان محله در فرآیند برنامه‌ریزی برای تشخیص اولویت‌های اقدام و حمایت در اجرا را ضروری می‌داند (UNESCAP, 2015: 131). این نوع از توانمندسازی، حوزه‌های متنوع شامل ظرفیت‌سازی نهادی، توسعه مهارت‌های اولیه، تشکیل گروه‌های کارآفرین، برنامه‌های کاهش فقر، کاهش آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر، آموزش مردم، مدیران و تسهیلگران، اقدامات در زمینه بانک پذیری و مباحث مشارکت مردم را در برمی‌گیرد (سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱: ۷).

در فرایند توانمندسازی، قدرت نهادی، اجرایی و سیاسی در یک اجتماع افزایش می‌یابد، به طوری که افراد توانایی آن را پیدا می‌کنند تا شرایط زندگی خود را بهبود بخشند (Nkosi, 2003: 201). در این راستا برای برنامه‌های بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در یک نگرش سازمانی- نهادی چهار نوع ساختار برای توانمندسازی ارائه شده است: ۱. تصمیم‌سازی توسط اجتماعات ساکن و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ؛ ۲. مشارکت متقابل بین ساکنین و دولت؛ ۳. برنامه‌ریزی مشارکتی (اجتماع محور)؛ و ۴. حمایت و پشتیبانی برای توسعه اجتماعی. اهمیت این رویکرد، سبب شده است که در زمینه بازآفرینی فرهنگی- اجتماعی و رویکرد توانمندسازی، پژوهش‌های زیادی چه در سطح جهان و چه در سطح ایران و... انجام شود که برخی از موارد آن به شرح زیر اشاره می‌شود:

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بازآفرینی مبتنی بر ابعاد فرهنگی- اجتماعی، به صورت موج عظیمی، پروژه‌های بازآفرینی را در سراسر اروپا تحت تأثیر قرار داده و بازآفرینی فرهنگ محور و استفاده از سرمایه‌های فرهنگی خود را به عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه بهسازی و نوسازی شهری مطرح کرده است (Kearns & Philo, 1993: 24). توجه به نقش فرهنگ، استفاده از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان منابعی برای توسعه و همچنین، توجه به گذران اوقات فراغت مردم، مهم‌ترین وجوه این گرایش هستند (Beatriz, 2004: 313). زمانی که سیاست‌گذاران و مسئولان شهری، به سمت فرهنگ به مثابه ابزار بازآفرینی شهری روی آورده‌اند، در نتیجه نوآوری‌ها و ابتکار عمل‌های بازآفرینی شهر، کیفیت محیط‌های تاریخی، افزایش یافته است. از جمله پژوهش‌های خارجی به تحقیقات لاروزا و همکاران (۲۰۱۷) در خصوص فواید و مزیت‌های برنامه‌های بازآفرینی مناطق فرسوده شهری کاتانیای شهری؛ یاناکو (۲۰۲۰) پژوهش در خصوص بازآفرینی شهری به عنوان یک فرایند برنامه‌ریزی دائمی؛ درک نقش ذی‌نفعان در پروژه‌های بازآفرینی املاک در شهرهای یونان؛ آیولا و همکاران (۲۰۲۰) بررسی مقابله با فقر شهری؛ تحول مسکن و مشاغل خانگی در محله‌های مسکونی فقیر آکوره، نیجریه؛ بامیدل و همکاران (۲۰۲۲) مطالعه تأثیر سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر درک

امنیت در طرح‌های مسکن انبوه در شهرهای در حال توسعه آفریقا: مورد ابوجا، نیجریه؛ دال اور سو (۲۰۲۳) ارائه مدل چرخ بازآفرینی شهری به عنوان ابزاری عملی برای ایجاد جوامع پایدار و پررونق، اشاره کرد. در ایران، اگرچه طرح مقوله نوسازی و بازآفرینی شهری در سکونتگاه‌های پیراشهری، چند دهه است که مورد توجه قرار گرفته است؛ اما سیاست‌گذاری در آن با تأکید بر مسائل کالبدی و تا حدی بر رویکردهای تأمین مالی و سودآوری‌های اقتصادی، بوده است. اما در چند سال اخیر، تلاش شده که رویکردهای اجتماعی نیز در کنار دیگر مسائل، مطرح شوند (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). پژوهش‌های قربانلو و همکاران (۱۴۰۱) در مورد بافت فرسوده منطقه ۲۰ تهران و تبیین عوامل مؤثر بر بازآفرینی شهری؛ کشاورزی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی در ارتقای توسعه محله دیزج جنوبی شهر بناب؛ زمانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی سکونتگاه‌های پیراشهری شهر چهاردانگه؛ حجازی (۱۳۹۹) در ارزیابی مشارکت مردم در اجرای طرح بازآفرینی شهری بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز؛ قناد و صرافی (۱۳۹۸) در ارائه مدل شش مرحله‌ای برای فرایند بازآفرینی اجتماع محور محله آخوند شهر قزوین؛ زرین کویانی و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی عوامل و موانع اصلی در توانمندسازی ساختاری اسکان غیررسمی در محله بان‌برز شهر ایلام؛ نادریان (۱۳۹۵) در تحقیق بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی فضاهای شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای در محله سنگ شیر همدان، از آن جمله هستند.

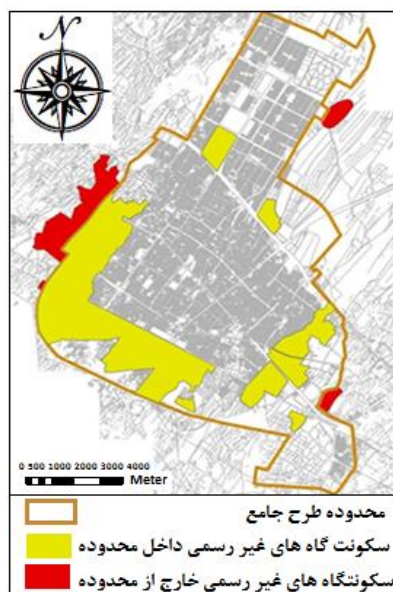
روش‌شناسی

با توجه به ماهیت مسئله مورد تحقیق، در این پژوهش، روش مهندسی اجتماعی با راهبرد توانمندسازی انتخاب شده است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، جزو تحقیقات کاربردی بوده و روش انجام آن با توجه به ماهیت تحقیق و مؤلفه‌های مورد بررسی و رویکرد حاکم بر پژوهش، تلفیقی از روش‌های توصیفی - تحلیلی می‌باشد. گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق روش اسنادی، مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (مشاهده و پرسشنامه) انجام گرفته است. سعی شده است که بیشترین تأکید در برداشت اطلاعات، از طریق مشاهدات میدانی باشد تا ضمن برخورد محقق با مردم، شناخت مناسبی از شرایط آنان، حاصل شود. انتخاب افراد مورد پرسش نیز از بین متخصصان و کارشناسان سازمان‌های دست‌اندر کار و افراد مطلع صورت گرفته است. برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری استفاده شده است و جهت سنجش پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، دو رویکرد کیفی و کمی در کنار یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته است. بدین صورت که بعد از جمع‌آوری داده و اطلاعات مورد نیاز پژوهش، نقاط قوت (S)، ضعف (W)، فرصت (O) و تهدید (T) موجود با استفاده از تکنیک SWOT تجزیه و تحلیل شده است و وضعیت موجود، مورد ترسیم و ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه نیز ضمن اعمال نظرات کارشناسان و خبرگان موضوع، عوامل مختلف، وزن دهی گردیده و با توجه به آن، راهبردهای متناسب از طریق ماتریس‌های مربوطه، تدوین شده است و براساس اهمیت و مجموع رتبه وزنی، راهبردهای برتر و اولویت‌دار مداخله در بافت، تعیین شده است.

اولویت‌بندی راهبردها با توجه به ارزیابی محیط داخلی (نقاط قوت و ضعف) و محیط خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) با روش QSPM، انجام می‌شود. همچنین بدون در نظر گرفتن شرایط محیطی و وضع موجود و ازدید بیرونی، با در نظر

گرفتن پارامترهایی همچون هزینه، زمان، مقبولیت، اثربخشی و غیره، از روش ACCEPT استفاده شده است. این روش به اولویت‌بندی راهبردها کمک می‌کند (نجفی و همکاران ۱۳۹۴). عنوان این روش، حروف اول قابلیت فراهم‌سازی (A)، هزینه‌سازی (C)، عوارض جانبی (C)، اثربخشی (E)، مقبولیت (P) و زمان بری (T) هستند. به عبارتی هر راهبرد هر چه قدر جذاب و مطلوب باشد، باید قابلیت اجرایی و پیاده‌سازی را داشته باشد. در این روش، با توجه به مرحله دوم (مقایسه و تحلیل)، راهبردهای قابل اجرا مشخص گشته، سپس از منظر پارامترهای مختلف این روش، ارزیابی می‌گردد. برای هر یک از پارامترها با توجه به مطلوبیت آن پارامتر در آن راهبرد، امتیازی از ۱ تا ۵ اختصاص داده می‌شود.^۷ براین اساس، راهبردهای نهایی برای بازآفرینی فرهنگی-اجتماعی فضاهای پیراشهری نیشابور با رویکرد توانمندسازی، مشخص می‌شود.

قلمروی مکانی این پژوهش، سکونتگاه‌های غیررسمی داخل و خارج از محدوده قانونی شهر نیشابور است. این سکونتگاه‌ها که بافت حاشیه‌نشین شهر را تشکیل می‌دهند، دارای مساحتی حدود ۹۱۸ هکتار است که از این مقدار حدود ۷۶۰ هکتار، معادل ۸۳ درصد، داخل محدوده شهری و مابقی حدود ۱۵۸ هکتار، معادل ۱۷ درصد، در خارج از محدوده قانونی قرار دارند. سکونت حدود ۴۰۰۰ نفر در خارج از محدوده شهری، طی سال‌های اخیر، در پاسخ به نیازهای مهاجران به شهر نیشابور، بوده که به دلیل عدم امکان جذب در بافت اصلی شهر، منجر به گسترش شهر در نواحی حاشیه شده است. مساحت این سکونتگاه‌ها، که جزو بافت‌های ناکارآمد شهر نیشابور نیز به شمار می‌روند، شامل ۲۴/۵ درصد از مساحت شهر است (مهندسین مشاور بهاوند مهرآز، ۱۳۹۵). شکل (۱) محدوده این سکونتگاه‌ها را در داخل و خارج از محدوده شهری نشان می‌دهد.

^۷Attainability^۸Costing^۹Complication^{۱۰}Effectiveness^{۱۱}Popularity^{۱۲}Timing

شکل ۱. محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی نیشابور در داخل و خارج از محدوده شهری

یافته‌های تحقیق

شهر نیشابور در دهه‌های گذشته به شدت مهاجرپذیر بوده است. به همین سبب، فرهنگ مردم فضاها‌ی پیراشهری نیز به صورت شهری - روستایی است. در بافت حاشیه‌ای شهر، از آنجا که برخی از این محدوده‌ها، ریشه روستایی دارند، سبب شده است که عمدتاً فرهنگ روستایی بر آن حاکم باشد. در واقع، شرایط اجتماعی در این بافت، دارای دو بعد می‌باشد: مهاجرینی که در این محلات سکنی گزیده‌اند، شرایط اجتماعی ضعیفی دارند اما آن دسته از روستاها که الحاقی (متصل) به شهر شده‌اند، وضعیت اجتماعی مناسبی را دارا می‌باشند (نمونه این روستاهای الحاقی، محله چهارده معصوم می‌باشد). مهاجرپذیر بودن این سکونتگاه‌ها، سبب شده است که عمده جمعیت این محلات را مهاجرین روستایی و یا مهاجران شهرهای کوچک اطراف نیشابور تشکیل دهند که به منظور پیدا کردن شغل مناسب‌تر، دسترسی مناسب به امکانات و خدمات رفاهی و قیمت پایین اراضی حاشیه و از سویی امکان ارتباط با شهر مادر و استفاده از تسهیلات و امکانات آن، به حاشیه شهر پناه بیاورند.

به دلایل فوق، شرایط و کیفیت سکونت در فضاها و محلات پیراشهری نیشابور، از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. عمده افراد بانگیزه پیدا کردن شغل و به دلیل ارزانی زمین و مسکن در این محدوده‌ها، ساکن شده‌اند. همین امر سبب شده که عمده شاغلان در این محلات، کارگران و خانوارهایی باشند که از درآمد چندانی برخوردار نیستند. از سوی دیگر کیفیت نامناسب مسکن و مسیرهای دسترسی و عبور و مرور، همگی باعث شده است که منزلت مکانی و سکونتی در این محدوده‌ها، پایین بوده و قشرهای کم درآمد در آن ساکن باشند. جمعیت ساکن در این محدوده‌ها از نظر قومیت ناهمگن و از نظر مذهب تقریباً همگن می‌باشند. براساس پیمایش و گفتگوهای انجام شده، مهاجرین روستایی که در این سکونتگاه‌ها، سکونت دارند، از نواحی مختلف پیرامون نیشابور، به این مناطق، مهاجرت کرده‌اند و همین امر نیز در ناهمگونی این جمعیت، تأثیر زیادی داشته است. نابهنجاری در این محلات به نسبت زیاد بوده است و به مواردی مانند سرقت، نزاع و اعتیاد اشاره شده است اما سایر معضلات اجتماعی بسیار کم عنوان شدند. نبود امنیت اجتماعی در محلات غیررسمی نیشابور، از جمله معضلات این محدوده‌ها می‌باشد. بر اساس نظرات کارشناسان شهرداری، وضعیت امنیت اجتماعی در بخش‌هایی که مهاجرین در آن سکونت گزیده‌اند، بسیار ضعیف می‌باشد.

شرایط سکونتی در محلات پیراشهری، حاکی از اجبار و ناگزیری بودن افراد به زیست در این محلات می‌باشد. این افراد به دلیل شرایط نامساعد مبدأ مهاجرتی خود به این مناطق، روی آورده و در نتیجه، سکونت در این محلات را به ناچار پذیرفته‌اند. کمبود خدمات و زیرساخت‌های شهری و نیازمندی‌های زندگی روزمره و یا تبدیل محیط‌های آرام روستایی به محیط‌های شهری شلوغ و بدون برنامه، سبب می‌شود که شرایط رضایت از سکونت در این سکونتگاه‌ها، همواره از میزان ناچیزی برخوردار باشد. دسترسی به مراکز اداری و تجاری در شهر و سایر خدمات شهری، با مشکلاتی مواجه است از سویی بسیاری از خدماتی که توسط شهرداری‌ها و یا سایر سازمان‌های شهری ارائه می‌گردد، در این محلات نسبت به سایر نواحی شهری، پایین‌تر بوده و همین امر سبب می‌شود که ساکنان این محلات، از شرایط موجود ناراضی بوده و رضایت پایینی از سکونت در این محلات داشته باشند. همچنین براساس نظرات کارشناسان شهرداری، در بخش‌هایی که روستاهای متصل به شهر را شاهد می‌باشیم، مشارکت نسبتاً خوبی صورت می‌گیرد اما در مابقی سکونتگاه‌ها، میزان مشارکت متوسط و رو به پایین می‌باشد.

آسیب‌شناسی فرهنگی - اجتماعی. در تجزیه و تحلیل و آسیب‌شناسی، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور، مدل تحلیلی SWOT نقاط قوت و ضعف محیط درونی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرونی را در جدول (۱) نشان داد. عوامل و عناصری که ذکر شد، مواردی است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی استخراج شده و پس از بررسی توسط متخصصان و کارشناسان سازمان‌ها و افراد مطلع، نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۱. تحلیل SWOT فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور

نقاط قوت	نقاط ضعف
S1: سطح سواد نسبتاً مناسب	W1: غالب بودن فرهنگ روستایی
S2: سابقه سکونت و حس تعلق در روستائیان حاشیه	W2: شرایط ضعیف اجتماعی مهاجرین
S3: ترکیب تقریباً همگن جمعیت در هر محله	W3: غیربومی بودن بخش قابل توجهی از ساکنان محلات
S4: همگنی مذهبی در محلات	W4: پایین بودن منزلت مکانی و سکونتی محلات
S5: تمایل نسبتاً بالای مردم به مشارکت برای بهبود محله	W5: ناهمگن بودن قومیت‌ها
S6: همبستگی اجتماعی در بین مردم محلات	W6: وجود ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح محلات
	W7: امنیت اجتماعی پایین در محلات
	W8: عدم نهادسازی و ظرفیت‌سازی در اجتماع محلی
	W9: کمبود فضاهای فرهنگی در سکونتگاه‌ها
	W10: نبود امکانات فراغتی در محلات به نسبت جمعیت
فرصت‌ها	تهدیدها
O1: تاریخچه غنی فرهنگ و هنر و ادب در نیشابور	T1: رشد بالای جمعیت و مهاجرت به این سکونتگاه‌ها
O2: نزدیکی به مراکز فرهنگی مرکز شهر	T2: رشد و توسعه شهر و تلفیق سایر روستاها به آن
O3: تمایل به نوسازی در بافت	T3: کم‌توجهی به سازوکارهای مشارکتی در مدیریت شهری
O4: امکان ایجاد نهادهای محلی به‌عنوان سرمایه اجتماعی	T4: شکاف بین مردم و مسئولین به دلیل عدم اعتماد با آنان
O5: امکان بهره‌گیری از مشارکت و نیروی انسانی موجود در بهسازی محله	T5: عدم آگاهی از حقوق شهروندی
O6: دغدغه مندی خانواده‌ها برای ادامه تحصیل و ارتقای تخصص فرزندان	T6: افزایش آسیب‌های اجتماعی و کنترل‌های اجتماعی پایین
	T7: احتمال بالا رفتن تبعیض در ساکنان محلات
	T8: عدم دسترسی به امکانات تفریحی و سرگرمی

تشکیل ماتریس ارزیابی و اولویت‌بندی عوامل. با توجه به اینکه عوامل و عناصر مختلف داخلی و خارجی شناسایی شده، هم‌وزن و دارای درجه اهمیت یکسان نمی‌باشد، برای هر کدام از عوامل داخلی، ضریبی از صفر تا یک داده می‌شود (مجموع ضرایب برابر عدد ۱). سپس به هر کدام از عوامل نمره‌ای از ۱ تا ۴ به تناسب اهمیت داده می‌شود (نمره ۱ بیانگر ضعف اساسی، نمره ۲ بیانگر ضعف عادی، نمره ۳ قوت عادی و نمره ۴ بیانگر قوت بالای عامل). عوامل خارجی نیز به همین شیوه، وزن دهی می‌شوند (نمره ۱ بیانگر واکنش ضعیف، نمره ۲ بیانگر واکنش عادی، نمره ۳ نشان‌دهنده واکنش خوب و نمره ۴ بیان‌کننده واکنش خیلی خوب). در تعیین نمره نهایی نیز، ضریب هر عامل در نمره آن ضرب می‌شود تا نمره نهایی عوامل به دست آید. وزن دهی فاکتورها و عوامل در این پژوهش، توسط متخصصان و کارشناسان سازمانی، انجام گرفته است. از لحاظ فرهنگی - اجتماعی در بافت پیراشهری نیشابور، شش نقطه قوت، ده نقطه ضعف، شش فرصت و هشت تهدید مورد شناسایی قرار گرفت که با توجه به ضرایب و رتبه‌های اخذ شده از متخصصان و کارشناسان، وزن گذاری عوامل به شرح جدول‌های (۲) و (۳) بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود

کل امتیاز وزن دار ماتریس IFE برابر با ۲/۳۸ و امتیاز نهایی وزن دار ماتریس EFE برابر با ۲/۷۷ می باشد که برای تعیین جایگاه و راهبردهای مدنظر از لحاظ فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور، در ماتریس IE، از این ارقام استفاده می شود.

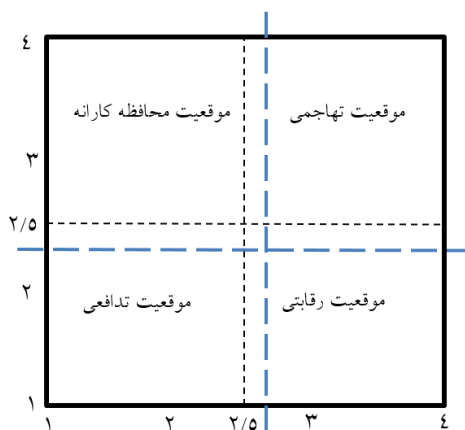
جدول ۲. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) فرهنگی - اجتماعی بافت حاشیه شهر

S	قوت‌ها	ضریب	رتبه	وزن
۱	سطح سواد نسبتاً مناسب	۰/۰۶	۴	۰/۲۵
۲	سابقه سکونت و حس تعلق در روستائیان حاشیه	۰/۰۶	۳	۰/۱۹
۳	ترکیب تقریباً همگن جمعیت در هر محله	۰/۰۸	۲	۰/۱۶
۴	همگنی مذهبی در محلات	۰/۰۸	۳	۰/۲۳
۵	تمایل نسبتاً بالای مردم به مشارکت برای بهبود محله	۰/۰۸	۴	۰/۳۱
۶	همبستگی اجتماعی در بین مردم محلات	۰/۰۶	۳	۰/۱۹
W	ضعف‌ها	ضریب	رتبه	وزن
۱	غالب بودن فرهنگ روستایی	۰/۰۵	۲	۰/۰۹
۲	شرایط ضعیف اجتماعی مهاجرین	۰/۰۵	۳	۰/۱۴
۳	غیربومی بودن بخش قابل توجهی از ساکنان محلات	۰/۰۵	۲	۰/۰۹
۴	پایین بودن منزلت مکانی و سکونتی محلات	۰/۰۵	۳	۰/۱۴
۵	ناهمگن بودن قومیت‌ها	۰/۰۵	۲	۰/۰۹
۶	وجود ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح محلات	۰/۰۶	۱	۰/۰۶
۷	امنیت اجتماعی پایین در محلات	۰/۰۸	۲	۰/۱۶
۸	عدم نهادسازی و ظرفیت‌سازی در اجتماع محلی	۰/۰۶	۱	۰/۰۶
۹	کمبود فضاهای فرهنگی در سکونتگاه‌ها	۰/۰۶	۲	۰/۱۳
۱۰	نبود امکانات فراغتی در محلات به نسبت جمعیت	۰/۰۸	۱	۰/۰۸
مجموع		۱		۲/۳۸

جدول ۳. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) فرهنگی - اجتماعی بافت حاشیه شهری

O	فرصت‌ها	ضریب	رتبه	وزن
۱	تاریخچه غنی فرهنگ و هنر و ادب در نیشابور	۰/۰۸	۴	۰/۳۰
۲	نزدیکی به مراکز فرهنگی مرکز شهر	۰/۰۶	۳	۰/۱۸
۳	تمایل به نوسازی در بافت	۰/۰۶	۴	۰/۲۴
۴	امکان ایجاد نهادهای محلی به عنوان سرمایه اجتماعی	۰/۰۹	۴	۰/۳۶
۵	امکان بهره‌گیری از مشارکت و نیروی انسانی موجود در بهسازی محله	۰/۰۸	۳	۰/۲۳
۶	دغدغه مندی خانواده‌ها برای ادامه تحصیل و ارتقای تخصص فرزندان	۰/۰۹	۴	۰/۳۶
T	تهدیدها	ضریب	رتبه	وزن
۱	رشد بالای جمعیت و مهاجرت به این سکونتگاه‌ها	۰/۰۸	۲	۰/۱۵
۲	رشد و توسعه شهر و تلفیق سایر روستاها به آن	۰/۰۸	۲	۰/۱۵
۳	کم توجهی به سازوکارهای مشارکتی در مدیریت شهری	۰/۰۵	۲	۰/۰۹
۴	شکاف بین مردم و مسئولین به دلیل عدم اعتماد با آنان	۰/۰۹	۲	۰/۱۸
۵	عدم آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۰۸	۲	۰/۱۵
۶	افزایش آسیب‌های اجتماعی و کنترل‌های اجتماعی پایین	۰/۰۸	۲	۰/۱۵
۷	احتمال بالا رفتن تبعیض در ساکنان محلات	۰/۰۵	۲	۰/۰۹
۸	عدم دسترسی به امکانات تفریحی و سرگرمی	۰/۰۶	۲	۰/۱۲
مجموع		۱		۲/۷۷

ماتریس داخلی خارجی (IE) و تعیین موقعیت بافت. در ماتریس داخلی خارجی، اعداد نهایی حاصل از ماتریس‌های (IFE) و (EFE) به منظور تعیین موقعیت فرهنگی - اجتماعی بافت حاشیه شهر نیشابور مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج به دست آمده در شکل (۲) نشان داده شده است. نتایج بیانگر آن است که وضعیت فعلی سکونتگاه‌های پیراشهری نیشابور، از لحاظ فرهنگی - اجتماعی، در موقعیت رقابتی می‌باشد. به عبارت دیگر، ضعف‌ها بر قوت‌های آن غلبه دارند، اما فرصت‌های موجود در آن بیشتر از تهدیدات پیش رو است.



شکل ۲. تعیین جایگاه راهبردهای استراتژیک فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور

تعیین راهبردها. با توجه به تعیین جایگاه و موقعیت فعلی فرهنگی - اجتماعی بافت‌های پیراشهری نیشابور از طریق ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، در این مرحله راهبردها ارائه می‌شوند. به طوری کلی، راهبردها در چهار دسته به ترتیب هستند: ۱. راهبردهای تهاجمی (SO)؛ بهره‌گیری از نقاط قوت داخلی و فرصت‌های محیط بیرونی، ۲. راهبردهای تنوع (ST)؛ بهره‌گیری از نقاط قوت داخلی برای برطرف کردن تهدیدهای بیرونی، ۳. راهبردهای بازنگری (WO)؛ بهره‌گیری برای غلبه بر نقاط ضعف درونی، از فرصت‌های بیرونی، ۴. راهبردهای تدافعی (WT)؛ کاهش تهدیدهای بیرونی، با رسیدگی به نقاط ضعف درونی. بر این اساس، راهبردهای مختلف جهت بازآفرینی فرهنگی و اجتماعی بافت حاشیه شهر نیشابور در این پژوهش به شرح جدول (۴) تعریف شده است.

جدول ۴. ارائه راهبردهای پیشنهادی فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور با استفاده از تحلیل SWOT

راهبردهای تنوع (ST)	راهبردهای تهاجمی (SO)
<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از رشد و توسعه شهر و برنامه‌ریزی برای درون‌ریزی جمعیت در پهنه‌های موجود - ارائه سازوکارهای مشارکتی برای بهبود سکونت و بهره‌گیری از توان و ظرفیت موجود در محلات - اعتمادسازی و آگاهی بخشی به مردم در زمینه حقوق شهروندی و تکالیف مرتبط - جلوگیری از گسترش آسیب‌های اجتماعی با مشارکت مردم و کنترل‌های اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد نهادها و تشکل‌های محلی و تقویت مشارکت بین گروهی ساکنان - ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توانمندسازی مشاغل و کسب و کارهای خانگی و مهارت‌آموزی
راهبردهای تدافعی (WT)	راهبردهای بازنگری (WO)
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد کلاس‌های آموزشی و مهارت‌آموزی برای مهاجران - ایجاد شوراهای و انجمن‌هایی متشکل از افراد محله برای حل مشکلات - آموزش‌های شهروندی و همگانی برای مردم و اعتمادسازی برای آنان - تقویت عملکردهای مرتبط با امنیت اجتماعی و نظارت همگانی 	<ul style="list-style-type: none"> - ترویج فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حمایت از طرح‌های مرتبط در این زمینه - ارائه برنامه‌هایی برای اوقات فراغت خانواده‌ها و جوانان - آموزش و تشویق به تحصیل و یادگیری و بالابردن سطح مهارت‌های اجتماعی ساکنین

ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) در بافت حاشیه‌ای. این ماتریس، برای بررسی و اولویت‌بندی راهبردها، هر عامل راهبردی را با راهبرد آن سنجیده و به آن امتیاز می‌دهد تا اولویت راهبردها مشخص شود. در ارتباط با بافت پیراشهری نیشابور، ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک مشخص شده و در نهایت بر اساس موقعیت فعلی سکونتگاه‌ها، که در موقعیت رقابتی می‌باشد، راهبردهای اولویت‌دار مشخص می‌شود. جدول (۵)، این ماتریس را نشان داده و خروجی آن نیز در انتهای جدول ارائه شده است.

همان‌طور که نتایج به‌دست آمده از جدول (۵) نشان می‌دهد، اولویت استراتژی‌های به‌دست آمده فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور، با توجه به مجموع نمره‌های جذابیت به ترتیب زیر است:

۱. آموزش و تشویق به تحصیل و یادگیری و بالا بردن سطح مهارت‌های اجتماعی ساکنین (WT3)؛

۲. ارائه برنامه‌هایی برای اوقات فراغت خانواده‌ها و جوانان (WT2)؛

۳. ترویج فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حمایت از طرح‌های مرتبط در این زمینه (WT1).

جدول ۵. ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری

استراتژی‌ها						ضریب	عوامل اصلی تعیین‌کننده موقعیت
WT3		WT2		WT1			
جمع نمره‌های جذابیت	نمره جذابیت	جمع نمره‌های جذابیت	نمره جذابیت	جمع نمره‌های جذابیت	نمره جذابیت		
۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۰۶	S1
۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۰۶	S2
۰/۱۶	۲	۰/۱۶	۲	۰/۱۶	۲	۰/۰۸	S3
۰/۱۶	۲	۰/۱۶	۲	۰/۱۶	۲	۰/۰۸	S4
۰/۱۶	۲	۰/۹۸	۱	۰/۱۶	۲	۰/۰۸	S5
۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۰۶	S6
۰/۱۴	۳	۰/۰۹	۲	۰/۰۹	۲	۰/۰۵	W1
۰/۱۴	۳	۰/۰۹	۲	۰/۰۹	۲	۰/۰۵	W2
۰/۱۴	۳	۰/۰۹	۲	۰/۰۹	۲	۰/۰۵	W3
۰/۰۹	۲	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	W4
۰/۰۹	۲	۰/۰۹	۲	۰/۰۹	۲	۰/۰۵	W5
۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۳	۰/۱۳	۲	۰/۰۶	W6
۰/۱۶	۲	۰/۲۳	۳	۰/۰۸	۱	۰/۰۸	W7
۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۰۶	W8
۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۱۳	۲	۰/۰۶	W9
۰/۱۶	۲	۰/۳۱	۴	۰/۰۰۸	۱	۰/۰۸	W10
۲/۱۴		۲/۱۷		۱/۸۰		۱	
۰/۱۵	۲	۰/۱۵	۲	۰/۲۳	۳	۰/۰۸	O1
۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۸	۳	۰/۰۶	O2
۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	O3
۰/۱۸	۲	۰/۰۹	۱	۰/۱۸	۲	۰/۰۹	O4
۰/۰۸	۱	۰/۰۸	۱	۰/۱۵	۲	۰/۰۸	O5
۰/۳۶	۴	۰/۰۹	۱	۰/۱۸	۲	۰/۰۹	O6
۰/۱۵	۲	۰/۱۵	۲	۰/۰۸	۱	۰/۰۸	T1
۰/۰۸	۱	۰/۰۸	۱	۰/۰۸	۱	۰/۰۸	T2
۰/۰۹	۲	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	۱	۰/۰۵	T3

۰/۱۸	۲	۰/۰۹	۱	۰/۰۹	۱	۰/۰۹	T4
۰/۲۳	۳	۰/۱۵	۲	۰/۱۵	۲	۰/۰۸	T5
۰/۱۵	۲	۰/۲۳	۳	۰/۱۵	۲	۰/۰۸	T6
۰/۰۹	۲	۰/۰۹	۲	۰/۰۹	۲	۰/۰۵	T7
۰/۰۶	۱	۰/۱۸	۳	۰/۰۶	۱	۰/۰۶	T8
۱/۹۸		۱/۶۱		۱/۷۳		۱	
۴/۱۳		۳/۷۸		۳/۵۲			جمع نمره جذائیت

شناسایی مطلوبیت راهبردهای اولویت‌دار بازآفرینی، با استفاده از روش A.C.C.E.P. همان‌طور که اشاره شد، روش QSPM، اولویت‌بندی راهبردها را با توجه به ارزیابی محیط داخلی (نقاط قوت و ضعف) و محیط خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) انجام می‌دهد. اما روش ACCEPT، بدون در نظر گرفتن شرایط محیطی و وضع موجود سازمانی وازدید بیرونی به اولویت‌بندی راهبردها کمک می‌کند. در این پژوهش با توجه به راهبردهای اولویت‌دار شناسایی شده، مطلوبیت هر یک از راهبردهای ارائه شده، با نظرات متخصصان و کارشناسان سازمانی مرتبط در این موضوع، بررسی شد که نتایج در جدول (۶) ارائه شده است:

جدول ۶. مطلوبیت راهبردهای بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور با استفاده از روش ACCEPT

عناوین راهبردها	قابلیت فراهم‌آوری	هزینه‌سازی	عوارض جانبی	اثر بخشی	مقبولیت	زمان‌بری	امتیاز نهایی
۱. ترویج فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حمایت از طرح‌های مرتبط در این زمینه	۴	۴	۳	۴	۳	۳	۲۱
۲. آموزش و تشویق به تحصیل و یادگیری و بالابردن سطح مهارت‌های اجتماعی ساکنین	۴	۴	۴	۲	۳	۲	۱۹
۳. ارائه برنامه‌هایی برای اوقات فراغت خانواده‌ها و جوانان	۴	۳	۳	۲	۲	۳	۱۷

نتیجه‌گیری

راهبردهای بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی بافت پیراشهری نیشابور با رویکرد توانمندسازی اجتماع محلی بیانگر آن است که وضعیت موجود بافت پیراشهری نیشابور در موقعیت رقابتی قرار دارد. به عبارتی گرچه نقاط ضعف آن بر نقاط قوت غلبه دارد، اما فرصت‌های خوبی در آن وجود دارد که برای غلبه بر نقاط ضعف موجود، می‌توان از آن بهره گرفت. براساس مراحل انجام شده، سه راهبرد به‌عنوان اولویت‌ها تعیین شد. همچنین بر اساس امتیازدهی مطلوبیت، "ترویج فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حمایت از طرح‌های مرتبط در این زمینه"، "ارائه برنامه‌هایی برای اوقات فراغت خانواده‌ها و جوانان" و "آموزش و تشویق به تحصیل و یادگیری و بالا بردن سطح مهارت‌های اجتماعی ساکنان" به‌عنوان اولویت‌های بازآفرینی اجتماعی - فرهنگی با تأکید بر توانمندسازی، تعیین گردید. لذا مدیران و مسئولان شهری، باید ضمن بهره‌گیری از نقاط فرصت و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود در این بافت‌ها، برای برطرف کردن نقاط ضعف آن تلاش نمایند و به‌جای اقدامات صرف دولتی و یک‌طرفه، تلاش نمایند تا از توانمندی ساکنان محلات برای بهبود شرایط زندگی آنان، استفاده نمایند.

نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیقات لاروزا و همکاران (۲۰۱۷) در خصوص مزیت‌های برنامه‌های بازآفرینی مناطق فرسوده شهری؛ و یاناکو (۲۰۲۰) در درک نقش ذی‌نفعان در این برنامه‌ها؛ آیولا و همکاران (۲۰۲۰) در مقابله با فقر شهری در محله‌های مسکونی؛ و بامیدل و همکاران (۲۰۲۲) در تأثیر سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر درک امنیت، همخوانی دارد. در میان پژوهش‌های داخلی، مطالعات همسو، پژوهش قربانلو و همکاران (۱۴۰۱) در مورد عوامل مؤثر بر بازآفرینی شهری؛ پژوهش کشاورزی و همکاران (۱۴۰۱) در مورد مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی در ارتقای توسعه محله؛ تحقیق زمانی و همکاران (۱۴۰۱) در شناسایی عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی سکونتگاه‌های پیراشهری؛ پژوهش حجازی (۱۳۹۹) در خصوص نقش مشارکت مردم در اجرای طرح بازآفرینی شهری؛ مطالعات قناد و صرافی (۱۳۹۸) در فرایند بازآفرینی اجتماع‌محور محله؛ و پژوهش زرین کاویانی و همکاران (۱۳۹۸) در خصوص عوامل و موانع اصلی در توانمندسازی ساختاری اسکان غیررسمی، هستند.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، لازم است راهکارهای زیر در دستور کار مدیران و مسئولان بازآفرینی شهری قرار گیرد:

- بافت پیراشهری نیشابور، سرشار از فرصت‌های بی‌مانندی است که شهر نیشابور را از سایر شهرهای دیگر استان متمایز می‌سازد. تاریخچه فرهنگ و ادب و هنر، مراکز فرهنگی موجود و سابقه تاریخی شهر، فرصت‌های بی‌نظیری را در اختیار بافت پیراشهری قرار می‌دهد که لازم است در بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی مدنظر قرار گیرد؛
- تمایل به نوسازی بافت سکونتی، امکان ایجاد نهادهای محلی و وجود تمایلات مشارکتی و نیروی انسانی موجود در بافت پیراشهری نیشابور، از جمله مواردی است که باید در تهیه و تدوین و پیاده‌سازی و اجرای طرح‌های بازآفرینی به‌ویژه در ابعاد فرهنگی - اجتماعی آن مورد توجه بیشتر قرار گیرد؛ و
- نیشابور، سابقه تاریخی بی‌نظیری دارد که تمرکز بر موضوعات فرهنگی و اجتماعی به مثابه محرک و هدایت‌کننده مسیر بازآفرینی می‌تواند، راهبردی مناسب برای نیشابور باشد، براین اساس تمرکز بر ظرفیت‌های گردشگری این شهر، برندسازی محلات مختلف، رویداد محوری و ... می‌تواند جذابیت‌ها و گرایش‌های اقتصادی مناسبی را برای شهر فراهم آورد که به بازآفرینی محلات پیراشهری نیز کمک شایانی خواهد کرد.

منابع

- پوراحمد، احمد، حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز. ۱۳۸۹. **سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری**، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، ۱(۱)، صص ۹۲-۷۳.
- پورمحمدی، محمدرضا، بابائی اقدم، فریدون، نعیمی، کیومرث. ۱۳۹۹. **بازآفرینی پایدار سکونتگاه‌های فرودست شهری بارهیافت نوین آینده‌نگاری مطالعه موردی: سکونتگاه‌های فرودست شهری سنندج**. نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۴(۷۳)، صص ۶۷-۹۳. doi: 10.22034/gp.2020.10822
- حجازی، سید جعفر. ۱۳۹۹. **ارزیابی مشارکت مردم در اجرای طرح بازآفرینی شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز)**. مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۴(۱)، صص ۱۱۷-۱۳۲. doi: JGET-2004-1160
- زرین کاویانی، عظیم، کلانتری، محسن، مشکینی، ابوالفضل، پیری، عیسی. ۱۳۹۸. **تحلیل ساختاری موانع توانمندسازی اجتماع‌محور در مناطق اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله بان‌برز شهر ایلام)**. فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰(۳۶)، صص ۳۲-۲۲.

- زمانی، پارسا، صادقی‌ها، مهدی، امیریان، سهراب. ۱۴۰۱. **خوانش عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی سکونتگاه‌های پیرا شهری با تأکید بر دینفعان نهایی مورد مطالعه: شهر چهاردانگه.** توسعه فضاهای پیراشهری، ۲(۲)۴، صص ۱۱۸-۱۰۳.
- سرور، هوشنگ. ۱۳۹۸. **شناسایی بافت‌های فرسوده شهری بر اساس شاخص‌های کالبدی مطالعه موردی: منطقه یک شهر تبریز. فصلنامه شهر پایدار،** ۲(۱)، صص ۱۴-۱. doi: 10.22034/jsc.2019.91206
- سعیدی رضوانی، نوید؛ انصاری، محمدحسین و توحیدلو، وحیده. ۱۳۹۱. **بررسی و ارائه راهکارهای توانمند سازی اجتماع محور با تأکید بر مشارکت مردمی در ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی شیراز، کرمانشاه و سندج).** فصلنامه هفت شهر، ۳(۴۱ و ۴۲)، صص ۲۲-۶.
- شرکت عمران و بهسازی شهری ایران. ۱۳۹۳. **سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری،** ابلاغ ۱۳۹۳/۷/۲.
- عباسی، قمر، موسوی، سید یعقوب، قاسمی، ایرج، احدنژاد روشتی، محسن. ۱۳۹۹. **تحلیل پایداری بازآفرینی بافت مرکزی شهر مطالعه موردی: بافت مرکزی شهر زنجان.** فصلنامه شهر پایدار، ۳(۲)، صص ۱۶-۱. doi: 10.22034/jsc.2020.212770.1173
- عظیمی مریم، رفیعان مجتبی، سعیده زرآبادی زهرالسادات. ۱۳۹۸. **تبیین مدل تفسیری-ساختاری عوامل مؤثر بر بازآفرینی محله‌ها، با تأکید بر فضاهای عمومی هم‌پیوند.** مطالعات محیطی هفت حصار. ۸(۳۰)، صص ۸۵-۹۵.
- فیروزی، محمدعلی، امانپور، سعید، زارعی، جواد. ۱۳۹۷. **تحلیل مناسبات میان نهادی در مدیریت بازآفرینی شهری پایدار بافت‌های فرسوده (مطالعه موردی: کلان شهر اهواز).** فصلنامه مطالعات شهری، ۸(۲۹)، صص ۳۰-۱۹. doi: 10.34785/J011.2019.354
- قربانلو، حسن، معصومی، محمدتقی، یزدانی، محمدحسن. ۱۴۰۱. **تحلیل استراتژیک بازآفرینی شهری با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی در فضاهای پیراشهری (مورد: بافت فرسوده منطقه ۲۰ تهران).** توسعه فضاهای پیراشهری، ۲(۲)۴، صص ۳۴-۱۹.
- قناد، فاطمه، صرافی، مظفر. ۱۳۹۸. **برنامه‌ریزی راهبردی توسعه محله آخوند شهر قزوین با رویکرد بازآفرینی اجتماع-محور.** پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۲(۲)۷، صص ۲۳۸-۲۱۱.
- کریم زاده، حسین، خالقی، عقیل، ولانی، محمد. ۱۳۹۸. **آسیب‌شناسی اجتماعی حاشیه‌نشینی کلانشهر تبریز با رویکرد توانمندسازی.** توسعه فضاهای پیراشهری، ۱(۲)۱، صص ۳۴-۱۵.
- کشاورزی، پرویز، بیگ بابایی، بشیر، حسین زاده دلیر، کریم. ۱۴۰۱. **تحلیل بازآفرینی فرهنگی اجتماعی در توسعه محله‌ای (مطالعه موردی: محله دیزج جنوبی شهر بناب).** فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳(۴۸)، صص ۱۶۸-۱۵۳. doi: 10.30495/jupm.2022.4281
- کمانرودی کجوری، موسی، پرزادی، طاهر، کرمی، مهدی. ۱۳۹۸. **فرآیند شکل‌گیری اجتماعات غیررسمی در محدوده پیراشهری مشکین شهر.** توسعه فضاهای پیراشهری، صص ۲(۲)۱، ۱۴-۱.
- لطفی، سهند. ۱۳۹۱. **تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی،** انتشارات آذرخش، تهران.
- مرادزاده، عبدالباسط، قاسمی، محمد، سالارزهی، حبیب‌الله. ۱۳۹۸. **توانمندسازی اجتماع محور با رویکرد ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان: یک مدل داده‌بنیاد.** توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲)، صص ۳۳۸-۳۱۳. doi: 10.22059/jrd.2000.76740
- ملایی، خداکرم، کوزه‌گر کالجی، لطفعلی، رضویان، محمدتقی، توکلی‌نیا، جمیله. ۱۴۰۰. **نقش ظرفیت‌سازی در توسعه پایدار فضاهای شهری و پیراشهری بجنورد.** توسعه فضاهای پیراشهری، ۳(۱)، صص ۳۶-۱۹.

- مهندسین مشاور بهاوند مهرآز. ۱۳۹۵. طرح توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر نیشابور، اداره کل راه و شهرسازی استان خراسان رضوی.
- نادریان زهرا. ۱۳۹۶. بازآفرینی فرهنگی اجتماعی فضاهای شهری باهدف ارتقاء هویت محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگ شیر همدان). مطالعات محیطی هفت حصار، ۵ (۱۹)، صص ۸۷-۹۶.
- نجفی، سیداسماعیل؛ واسعی، مرتضی؛ هدایت، نیلوفر؛ صفری، قاسم. ۱۳۹۴. اولویت‌بندی راهبردها با استفاده از روش ترکیبی ACCEPT و TOPSIS فازی، مطالعه موردی: یک شرکت لاستیک‌سازی. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.
- یوسفی سادات، محرم؛ جمشیدی، انسیه؛ صادقیه اهری، سعید. ۱۳۹۳. راهنمای آموزشی مدل توانمندسازی جوامع روستایی، نشر پژوهشکده محیط‌زیست، نوبت اول.
- Appadurai, A. 2001. **Deep democracy: Urban governmentality and the horizon of politics.** Environment and Urbanization 13(2), 23-43.
- Ayoola, H. A.; Fakere, A. A. 2022. **Coping with urban poverty: Housing transformation and home-based enterprises in poor residential neighbourhoods of Akure, Nigeria.** Journal of Urban Regeneration & Renewal, 14(2), 200-209.
- Bamidele, T.; Adedayo, O.; Michieletto, M.; Yahaya-Loko, N. 2022. **Squatter settlements' impact on perception of security in mass housing schemes in developing African cities : The case of Abuja, Nigeria.** Journal of Urban Regeneration & Renewal, 16 (2), 207-223.
- Beatriz, G. 2004. **Cultural Policy and Urban Regeneration in Western European Cities: Lessons from Experience,** Prospects for the Future., 19(4), 312-326.
- Bevilacqua, C., Calabrò, J., and Maione, C. 2013. **The Role of Community in Urban Regeneration: Mixed Use Areas Approach in USA,** Proceedings REAL CORP 2013 Tagungsband, 20-23 May 2013, Rome, Italy.
- Chahardowli, M. Sajadzadeh, H. 2022. **A strategic development model for regeneration of urban historical cores: A case study of the historical fabric of Hamedan City,** Land Use Policy, 114, 105993.
- Clark, J., and Wise, N. 2018. **Urban Renewal, Community and Participation, Theory, Policy and Practice,** Springer International Publishing AG; 1st Ed.
- Dall'Orso, M. 2023. **Urban Regeneration Wheel: A practical tool for creating sustainable, thriving communities.** Journal of Urban Regeneration & Renewal, 16(3), 257-266.
- Kearns, G., & Philo, C. 1993. **Selling Places: The past as Cultural Capital Past and Present,** Oxford: Pergamon Press.
- La Rosa, D. Privitera, R., Barbarossa, L., La Greca, P. 2017. **Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy.** Landscape and Urban Planning, 157, 180-192.
- Lak, A. & Hakimian, P. 2019. **Collective memory and urban regeneration in urban spaces: Reproducing memories in Baharestan Square, city of Tehran, Iran,** City, Culture and Society, 18, 100290.
- Natividade-Jesus, E., Arminda Almeida, N. S., and João C.-R. 2019. **A Case Study Driven Integrated Methodology to Support Sustainable Urban Regeneration Planning and Management.** Sustainability 11(15), 4129. <https://doi.org/10.3390/su11154129>.
- Nkosi A. L. 2003. **An Evolution of a Women Empowerment: Life Skills Program in an Informal Settlement.** Dissertation in Social Work, Faculty of Arts, Rand Afrikaans University, Johannesburg.
- Rădulescu, C.M.; Ștefan, O.; Rădulescu, G.M.T.; Rădulescu, A.T.G.M.; Rădulescu, M.V.G.M. 2016. **Management of Stakeholders in Urban Regeneration Projects. Case Study: Baia-Mare, Transylvania.** Sustainability, 8(3), 238. <https://doi.org/10.3390/su8030238>.
- Reazul, S. M. & Ashraful Alam, A.F.M. 2012. **Urban Regeneration for Sustainable Economic Growth: the study of Boro Bazaar in Khulna, Bangladesh,** Journal of Social and Development Sciences, AMH International, 3(4), 111-122.
- Schrock, M. 2012. **The potential use of land readjustment as an urban redevelopment strategy in the United States: Assessing Net Economic Value,** M.A. dissertation, Massachusetts Institute of Technology.
- UNESCAP. 2015. **Municipal and Management in Asia: A comparative study,** in: United Nation Economic and Social Commission for Asia and the specific.

- United Nation. 2018. **Informal Settlements and the Right to Housing.** <https://www.ohchr.org/EN/Issues/Housing/Pages/InformalSettlementsRighttoHousing.aspx>
- Yiannakou, A. 2020. **Urban regeneration as a perpetual planning process: understanding the role of stakeholders in property-led regeneration projects in Greek cities.** *Local Economy*, 35 (2), 83-104.